

نقش احادیث معصومین علیهم السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم -

سید محسن موسوی، حجت علی نژاد

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۱-۲۲

نقش احادیث معصومین علیهم السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم

سید محسن موسوی*

حجت علی نژاد**

چکیده: یکی از منابع مهم در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم، احادیث معصومین علیهم السلام است که داناترین افراد به معانی قرآن کریم بوده‌اند، لذا احادیث تفسیری آنان برای ما جایگاه استواری دارد و در تفسیر قرآن یکی از منابع اصلی به شمار می‌رود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که، احادیث شریف در معناشناسی واژه‌های قرآن می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله، عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، انتخاب یکی از دو معنای واژه، ایجاد معنای جدید برای واژه و تعیین مصداق برای واژه را ایفا کند. این مقاله از نوع تحقیقات بنیادین است که با روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی؛ حدیث؛ معصومین؛ واژه؛ قرآن کریم.

اهل بیت علیهم السلام آگاه‌ترین افراد به تفسیر قرآن کریم بوده‌اند که مطابق روایات وارده، به همه معانی وحی نازل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن آگاهی داشتند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹) برای حجیت سخنان اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن، می‌توان به نصوصی استناد کرد، از جمله: آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) و آیات ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹) ﴿فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) حدیث متواتر ثقلین و احادیث قطعی دیگری مانند این سخن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، ضمن معرفی امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای گروه مردمان! در قرآن تدبیر کنید. آیات آن را نیک دریابید، به محکمات آن بنگرید و از متشابه آن پیروی نکنید. به خدا سوگند، نواهی آن را برایتان روشن و تفسیر آن را برای شما آشکار نمی‌کند، مگر آن کسی که من دستش را گرفته، به سوی خود بالا آورده‌ام.» (طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ حرعاملی، ج ۲۷، ص ۱۹۳) دلایل عقلی فراوان نیز بر این حقیقت گواه است. در مقاله پیش رو منظور از حدیث، احادیث منقول از معصومین علیهم السلام، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت است. البته روایات صحابه و تابعین نیز در درجه‌های بعدی قابل استفاده است. اما در این جا به دلیل اهمیت ویژه روایات معصومین علیهم السلام بحث را محدود به روایات آن بزرگواران می‌کنیم. باید دانست علی‌رغم آثار در خور و شایسته‌ای که در معرفی و روش‌شناسی تفسیر اهل بیت علیهم السلام انجام گرفته، آن گونه که شایسته منزلت و جایگاه آنان است، تفسیرشان کمتر روش‌شناسی شده است. یکی از ابعاد روشی تفسیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام اهتمام به تفسیر واژه‌های غریب و نامانوس است؛ به عبارتی دقیق‌تر، واژه‌های حساس و مهم و عموماً مورد اختلاف مفسران و یا واژه‌هایی که دیگر مفسران در تفسیر آن دچار خطا شده‌اند. احادیث شریف معصومان در معناشناسی واژه‌های قرآن نقش‌های

مختلفی را می‌توانند ایفا کنند. به نظر برخی از پژوهشگران، هیچ واژه‌ای از قرآن کریم را نمی‌توان یافت که مردم عصر نزول به معنای آن کاملاً جاهل بوده باشند و معنای آن در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان و آشکار نشده باشد؛ از این رو برای روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر واژه‌های قرآنی باید در جستجوی نقش‌ها و کارکردهای مهم‌تر و حساس‌تری برآمد و باید به کشف نکات دیگری در زمینه معنی‌شناسی رفت. (طیب حسینی، ص ۶۷) در این پژوهش برخی از مهم‌ترین نقش‌های احادیث معصومین علیهم السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم که می‌تواند مورد تأمل بیشتر و مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد، بررسی می‌شود.

۱. عبور از معنای ظاهری لفظ

قرآن کریم وحی الهی است که از جانب خداوند متعال بر قلب مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده و با هدف هدایت بشر، معارف والای خود را، در قالب الفاظ مادی و محسوس و رایج در میان قوم عرب زمان نزول - جهت فهم آنان - بیان کرده است. بنابراین طبیعی است که بسیاری از کلمات و واژه‌های قرآنی در همان معنای مادی و حسی و رایج میان مردم به کار نرفته باشد و به صورت مجاز در معنایی نزدیک و مرتبط با آن واژه به کار گرفته شوند. البته بسیاری از کاربردهای مجازی الفاظ در قرآن برای مفسران شناخته شده است؛ اما ممکن است، مفسران به دلیل ناآگاهی از معنای مجازی برخی الفاظ، و یا معنای مجازی مقصود در یک آیه مورد نظر، آن لفظ را به معنای شناخته شده و رایجش تفسیر کنند. بنابراین با مراجعه به حدیث معصومین علیهم السلام می‌توان معنای مجازی و مقصود آن را کشف کرد و بدین وسیله می‌توان ثابت کرد که معنای رایج آن واژه مورد نظر خداوند نبوده است. به چند نمونه توجه کنید.

۱-۱. واژه «عرش» در معنای لغوی خود به معنی تخت پادشاه (ابن فارس، ذیل ماده «عرش»)

یا به معنای شیء مسقف (راغب، ذیل ماده «عرش») است. در قرآن کریم نیز به این دو معنا آمده است. (یوسف: ۱۰۰؛ حج: ۴۵؛ نمل: ۴۲)، اما هیچ یک از این دو معنا متناسب با واژه «عرش» در آیه شریفه ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ (هود: ۷) نیست. اکثر مفسران نتوانسته‌اند معنای درستی از این واژه مناسب با سیاق این آیه شریفه به دست آورند. تفسیری که اغلب مفسران زمان تابعین از این واژه کرده‌اند، نشان می‌دهد که برداشت آن‌ها از واژه «عرش» معنای حسّی و رایج آن، یعنی تخت پادشاه، بوده است. (طبری، ج ۱۲، ص ۴-۵؛ ابن کثیر، ج ۴، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ فخر رازی، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ بیضاوی، ج ۳، ص ۱۲۸؛ آلوسی، ج ۶، ص ۲۰۵) اما در روایتی از امام صادق علیه السلام واژه «عرش» در این آیه به «علم» معنا شده است یعنی علم خداوند به این تعلق گرفت که همه چیز را از آب خلق کند. (عروسی حویزی، ج ۲، ص ۳۳۸؛ بحرانی، ج ۱، ص ۵۱۸)

۱-۲. صدوق در کتاب معانی الاخبار از حضرت صادق علیه السلام آورده که در مورد معنای «ید» در آیه ﴿يَا إِبْرَاهِيمُ مَا مَتَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدَيَّ﴾ (صاد: ۷۵) فرمود: در کلام عرب، دست تنها به معنای جارحه یعنی عضوی از بدن انسان نیست، بلکه به معنای قوه و نعمت هم آمده است، چنانکه در قرآن هم به معنی قوه بکار رفته است. مانند این آیه که در باره قوت داود علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَ اذْكَرُ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاَيْدِ﴾ (صاد: ۱۷) و در باره بنای آسمان می‌فرماید: ﴿وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِاَيْدٍ وَ اِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) آن گاه در معنای ﴿وَ اَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ (مجادله: ۲۲) فرمود: یعنی آنها را به روحی از خود تقویت نمود. و وقتی گفته می‌شود برای فلانی نزد من یدی است بیضاء، مقصود این است که فلانی نعمت فراوانی به من داده و حق بزرگی بر من دارد. (شیخ صدوق، معانی الاخبار، صص ۱۶-۱۵)

۲. تعیین معنای اصلی از واژه در قرآن

واژه‌های به کار رفته در قرآن کریم ممکن است معانی متعددی اعم از حقیقی یا مجازی داشته باشند، که با توجه به سیاق آیه نتوان آن را تشخیص داد. تعیین معنای

مقصود از یک واژه در یک آیه از قرآن، گاهی چنان دشوار است که بدون راهنمایی و بیان امام معصوم، مفسر به خطا می‌افتد و به مراد واقعی آیه پی نمی‌برد. به چند نمونه توجه کنید:

۱-۲. واژه «السائحون» در آیه ﴿التَّائِبُونَ الْعِبَادُونَ الْحَمِيدُونَ السَّخَّوْنَ الرَّكِعُونَ السَّاجِدُونَ﴾ (توبه: ۱۱۲) از ماده «سیح» در فرهنگ عربی به معنای سیر و سیاحت در زمین است. «ساح فی الأرض» یعنی به سیاحت و گردش در زمین پرداخت. (ابن فارس، ذیل ماده «سیح»؛ ابن منظور، ج ۶، ذیل ماده «سیح») در قرآن نیز به همین معنا آمده است: ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (توبه: ۲) اما این معنا با سیاق آیه مورد نظر سازگار نیست. یعنی هیچ رابطه عقلانی و معرفتی میان توبه و حمد و رکوع و سجود با سیر و سیاحت دیده نمی‌شود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن واژه را به «روزه‌داران» معنا و تفسیر کرده‌اند. (زمخشری، ج ۲، ص ۳۱۴؛ طبرسی، ج ۵، ص ۱۱۳؛ عروسی حویزی، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۴؛ حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳۵)

۲-۲. واژه «نعیم» در آیه ﴿كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَهُوَ كَرِيمٌ﴾ (نکات: ۸) شخصی می‌پنداشت خدای متعال از غذای لذیذی که او نزد امام صادق علیه السلام می‌خورد بازخواست خواهد شد. اما امام صادق علیه السلام واژه «نعیم» را به نعمت محمد و آل محمد علیهم السلام تفسیر می‌کند و می‌فرماید: خداوند بزرگ‌تر و کریم‌تر از آن است که طعام پاکیزه‌ای به شما ببخشد و از آن لذت ببرید، سپس در قیامت نسبت به آن، از شما بازخواست کند، اما شما نسبت به نعمت محمد و آل محمد بازخواست خواهید شد. (بحرانی، ج ۵، ص ۷۴۶؛ قمی، ج ۲، ص ۴۴۰؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۱۳)

شاید گفته شود امام علیه السلام صرفاً مصداقی از مصادیق آن واژه را بیان کرده‌اند، ولی در واقع امام به نکته‌ای بسیار مهم ناظر به معنا و مفهوم آیه شریفه توجه داده‌اند که اغلب از دید لغت‌شناسان مغفول مانده است، و آن این که مقصود از «نعیم» نعمت‌های حقیقی و بزرگ و معنوی (غیرمادی) است، برخلاف نعمت که در معنای

نعمت‌های مادی و این جهانی کاربرد دارد. (طب حسینی، ص ۷۰)

۲-۳. در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه ﴿لَا تَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (مانده: ۶۶) در معنای واژه‌های «فوق» و «تحت»، امام صادق علیه السلام مخاطب آیه را قوم یهود و نصارا می‌داند. و آیه را چنین معنی می‌کند که از بالا به وسیله باران و از پایین به وسیله رویش گیاهان و مواد غذایی متمتع می‌شوند. (قمی، ج ۱، ص ۱۷۱)

نمونه‌های فراوانی از این دست تفاسیر را می‌توان در میان روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام جستجو کرد.

۳. انتخاب یک معنا از معانی واژه

یکی دیگر از کارکردهای حدیث در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم، انتخاب یکی از دو یا چند معنای واژه است. این نقش بیشتر مختص به مواردی است که یک واژه دارای چند معنا باشد و سیاق آیات نیز تحمل آن چند معنا را داراست. در چنین مواردی یکی از نقش‌های حدیث در حوزه معناشناسی واژگان، آن است که یکی از دو معنای واژه را بر دیگری ترجیح دهد. به چند نمونه توجه کنید.

۳-۱. درباره ریشه و معنای واژه «اسم» در آیه شریفه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ دانشمندان و مفسران اختلاف نظر دارند. (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۸۷۱؛ قرشی، ج ۷، ص ۲۱۹؛ فراهیدی، ج ۷، ص ۳۱۸) نحویان بصره واژه «اسم» را مشتق از «سمو» به معنای غلوه و نحویان کوفه این واژه را مشتق از «وسم» به معنای علامت و نشانه می‌دانند. (زمخشری، ج ۱، ص ۵؛ اندلسی، ج ۱، ص ۲۷)

امام رضا علیه السلام «اسم» را به معنای علامت و نشانه تفسیر می‌کند، و می‌فرماید: کسی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ می‌گوید، معنایش این است که خود را با یکی از نشانه‌های الهی - «بِسْمَةِ مِنَ سِمَاتِ اللَّهِ» یعنی عبادت - نشانه‌گذاری می‌کند. پرسیدم «بِسْمَةُ» یعنی چه؟ فرمودند: یعنی نشانه. (صدوق، ص ۳)

۲-۳. واژه «قُرُوء» جمع «قُرء» در آیه شریفه است: ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره: ۲۲۸) اهل لغت واژه «قرء» را در اصل به معنای جمع و اجتماع دانسته‌اند. (مصطفوی، ج ۹، ص ۲۱۸؛ راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۶۶۸) اما در اطلاق این کلمه در مورد زن، معانی مختلفی نقل شده است. ابن فارس می‌گوید: «قَرَاتِ الْمَرْأَةِ» را در زمان طهر و پاک‌ی زن بر وی اطلاق می‌کنند. و «قُرء» به معنای وقت است که گاه بر وقت طهر زن و گاه بر وقت حیض زن اطلاق می‌شود. (ابن فارس، ذیل ماده «قری») اما راغب اصفهانی می‌گوید: «قَرَاتِ الْمَرْأَةِ» یعنی حیض شدن (راغب اصفهانی، ذیل ماده «قری») این اختلاف در معنای «قرء» در اکثر کتاب‌های لغت و تفاسیر دیده می‌شود. این دو معنا اثری فقهی در آیه شریفه دارد، لذا هر دو معنا با هم نمی‌تواند صحیح باشد. از این رو مفسران هر یک مطابق مذهب فقهی خود این واژه را تفسیر کرده‌اند، که هیچ یک قابل اطمینان و اعتمادبخش نمی‌تواند باشد. اما در روایات اهل بیت علیهم السلام همان معنای اصلی که ابن فارس ذکر کرده، تأیید شده و «قُرء» به جمع شدن خون در میان دو حیض یعنی همان زمان طهر و پاک‌ی زن تفسیر شده است. (زمخشری، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ابن عربی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ قرطبی، ج ۳، ص ۱۱۳) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: عده زنی که حائض می‌شود و حیض او مرتب است، سه قرء می‌باشد و قرء، جمع شدن خون در فاصله میان دو حیض است. (کلینی، ج ۶، ص ۹۱؛ طوسی، ج ۸، ص ۱۱۷)

۴. ایجاد معنی جدید برای واژه

یکی دیگر از نقش‌های احادیث تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در حوزه معنشناسی واژه‌ها، ایجاد و توسعه در معنای واژه‌هاست. گاه ممکن است واژه به کار رفته در قرآن، معنای شناخته شده‌ای در فرهنگ و لغت عرب داشته باشد که در یک آیه نیز به همان معنا به کار رفته است، اما در حدیث برای آن، معنای دیگری

مرتبط با معنای اصلی آن واژه بیان می‌شود. بدین ترتیب حدیث توسعه‌ای در معنای آن واژه و در نتیجه توسعه‌ای در معنای آیه ایجاد می‌کند. به چند نمونه توجه کنید: ۴-۱. واژه «انْحَر» در آیه ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَر﴾ (کوثر: ۲) فعل امر از «نَحَرَ» است و در لغت به سینه و نیز به گودی زیر گلوی انسان یا حیوان «نَحْر» گویند. (ابن فارس، ذیل ماده «نحر»؛ ابن منظور، ج ۱۴، ص ۶۸، ذیل ماده «نحر») «نَحَرَ الْبَعِيرَ»، یعنی نیزه را در نحر شتر فرو کرد. (زمخشری، ص ۶۲۲، ذیل ماده «نحر»)، که مقصود از آن قربانی کردن شتر می‌باشد. به این ترتیب معنای «وَانْحَر» در این آیه شریفه، به گفته برخی از مفسران، امر کردن به قربانی کردن شتر است. (طبری، ج ۳، ص ۳۱۲؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ قرطبی، ج ۲۱، ص ۲۱۸؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۴۱۸؛ مجلسی، ج ۱۶، صص ۳۱۱-۳۱۲)

اما در احادیث متعددی که از رسول خدا ﷺ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است، واژه «وَانْحَر» در آیه ذیل به معنای بالا بردن دست‌ها تا نزدیکی صورت به هنگام تکبیره الاحرام در نماز است. مثلاً امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با بالا آوردن دو دست خود تا مقابل صورتشان، در حالی که رو به قبله بود، واژه «وَانْحَر» را برای شخصی که می‌پرسید، معنا کرد. (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ بحرانی، ج ۱۰، ص ۴۴۰) در روایت دیگری که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر ﷺ نقل کرده، به بالا آوردن دست‌ها تا نزدیکی صورت، برای تکبیره الاحرام در نماز سفارش شده است. (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷) در روایتی دیگر از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَانْحَر» به «اعتدال در ایستادن به هنگام نماز و پشت و سینه را راست و رو به قبله نگه داشتن» معنا و تفسیر شده است. (کلینی، ج ۳، ص ۳۳۶؛ حرّعاملی، ج ۵، ص ۴۸۹)

معنای مورد اشاره این روایت به عنوان معنای سوم برای «وَانْحَر» در این آیه تلقی می‌شود، که معنایی کاملاً دینی و اسلامی است. این معنای مورد اشاره حدیث در منابع کهن لغت واز زبان بعضی لغویان هم چون ابن اعرابی و فرّاء نیز نقل شده.

ابن الاعرابی می‌گوید: «نُحْرَه» یعنی این که شخص به هنگام نماز راست بایستد. (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۶۹، ذیل واژه «نحر») فراء می‌گوید: یعنی این که نحر و سینه خود را رو به قبله بدارد. (همان)

۴-۲. واژه «قَتَلَ» و «أَحْيَا» در آیه ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ... وَ مَنْ أَحْيَاهَا﴾ (مانده: ۳۲) به گمراه کردن یا هدایت افراد (بحرانی، ج ۲، صص ۴۳۸-۴۴۰)؛ تعمیم «طعام» در آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس: ۲۴) به علم که غذای روح است (بحرانی، ج ۸، صص ۲۱۴-۲۱۵)؛ تفسیر واژه «مَاءٍ مَعِينٍ» در آیه ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (ملک: ۳۰) به غیبت امام (همان، ج ۸، صص ۸۱-۸۲) که در روایات تفسیری از امامان معصوم علیهم السلام دیده می‌شود، نمونه‌ای از ایجاد و توسعه معنای جدید برای واژگان است.

۵. تعیین مصداق برای واژه

یکی دیگر از کاربردهای حدیث معصومین در حوزه معنشناسی واژگان، تعیین مصداق برای واژگان قرآن است. به چند نمونه بنگرید:

۵-۱. در تفسیر آیه ﴿غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾ (فاتحة الكتاب: ۷) از رسول خدا روایت شده است که فرمودند: منظور از ﴿الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ قوم یهود و مراد از ﴿الضَّالِّينَ﴾، مسیحیان می‌باشد. (سیوطی، ج ۲، صص ۱۲۳۷-۱۲۳۸)

۵-۲. از ابن عباس روایت شده که «نزدیکان پیامبر» در آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳) علی، فاطمه و دو پسر آنان هستند. (بحرانی، ج ۶، ص ۸۶)

۵-۳. اهل بیت در آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام هستند. (همان، ج ۶، ص ۲۷۵؛ حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۴۱۶)

۵-۴. ذاللقربی در آیه ﴿وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ﴾ (اسراء: ۲۶) حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌باشد. (کلینی، ج ۱، ص ۵۴۳)

۵-۵. گاهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیات، به بیان لفظی اکتفا نمی‌کرده؛ بلکه مطالب آیات را برای افراد مجسم می‌کرده است. مثلاً از ابن مسعود نقل شده است که: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطی را برای ما ترسیم کرد و فرمود: این راه خداست. پس در سمت راست و چپ آن خط، خط‌های دیگری را کشید و فرمود: این‌ها راه‌های متفرقی هستند که بر هر یک از آن‌ها شیطانی است که انسان را به سوی آن دعوت می‌کند. سپس آیه را خواند: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ...﴾ (انعام: ۱۵۳) (حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۱۸)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در طول رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ایشان نازل شد. با توجه به آن که بخش عمده‌ای از آیات نیازمند تفسیر بود، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پس از ایشان ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول زندگی پربرکت خودشان، با دلایل نقلی - اعم از آیات قرآن کریم و روایات و احادیث - و تحلیل عقلی فراوانی که موجود است، آیات قرآن را تفسیر و تبیین و در بعضی موارد به معناشناسی واژگان آنها می‌پرداختند. بنابراین یکی از منابع مهم معناشناسی واژه‌های قرآن کریم - برای تفسیر قرآن - احادیث و روایات معصومان است. در این پژوهش، این نتیجه حاصل شد که توجه به احادیث معصومین در معناشناسی واژه‌های قرآن تاثیر و نقش انکارناپذیری دارد. این روایات و احادیث در معناشناسی واژه‌های قرآن، چنان اهمیتی دارد که تفسیر قرآن بدون مراجعه به این روایات، به تفسیری نادرست یا ناقص از قرآن منتهی می‌شود. احادیث شریف در معناشناسی واژه‌های قرآن نقش‌های مختلفی می‌تواند ایفا کند. برخی از نقش‌های حدیث در این زمینه عبارت بودند از: عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، تعیین یکی از دو معنی واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه، و تعیین مصادیق برای واژه‌های قرآن.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن العربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم: موسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن فارس، ابوالحسن احمد، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق و ترتیب علی عسکری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۴. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۶. اندلسی، ابو حیان، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۷. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل واسباب التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل و سائل الشیعہ، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۲. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.
۱۵. _____، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مصحح محمد باقر موسوی خراسان، مشهد، نشر المرتضی، ۱۳۰۴ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، اساس الاقتباس، تحقیق مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. طبیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۲۳. عروسی حویزی، عبدالعلی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.

۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۶. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

